

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ می ۲۰۲۱

ایجاد کمیته های دفاع از خود، یگانه پاسخ و وسیله جلوگیری از دهشت و ترور!

شنبه- ۱۸ ثور ۱۴۰۰ - کابل: حوالی ساعت ۴ و ۴۵ عصر بود که از طریق تیلیفون یک تن از دوستان مقیم در دشت برچی، از انفجار تروریستی دهشتناک و ضد انسانی مقابل درب ورودی مکتب "سید الشهداء" واقع شهرک اتفاق، تقریباً در آخرین قسمت های دشت برچی و در دامنه های کوه قروغ اطلاع یافتیم. علی رغم آن که دوست اطلاع دهنده، گفت که آمدن تا آنجا الزام آور نیست و طرف خودشان خیریت است، با آنهم از لحن صدایش دریافتم که رفتن به آنجا خالی از تأثیرات مثبت نخواهد بود. اینهم مختصری از دیدار امروزم:

۱- هرچند از منزل ما (کارته مأمورین) الی دشت برچی تا قسمت های زیادی فقط همان یک سرک مستقیم است و برای آنهایی که با اوضاع ترافیک شهری کابل آشنائی نداشته باشند، می پندارند که طی نمودن چنین فاصله ای زمانی کمتر از بیست الی سی دقیقه بیشتر لازم ندارد، مگر رسیدن ما تا آنجا چیزی بیشتر از یک ساعت وقت گرفت، زیرا گذشته از ترافیک عادی و ازدحام مردم به خاطر رساندن شان به خانه ها و در انتظار افطار ماندن در داخل خانه، خرابی سرک به خصوص از کوته سنگی به بعد، پوسته های تلاشی نیروهای امنیتی توأم با پرس و پال علت رفتن به سمت دشت برچی توگوئی ما عازم کره ماه بودیم و می بایست پاسپورت کره زمین را می داشتیم باعث این تأخیر گردید- پوسته های کنترل و تلاشی نیروهای امنیتی بعد از وقوع واقعه، چیزی بیشتر از چهارزانو نشستن ارگانهای امنیتی دولت دست نشاندۀ بعد از گوزیدن نمی باشد.

۲- نظر به وعده ای که گذاشته بودیم، ما -من و دوستی از همسایگی ما- نخست دیدن دوست مقیم دشت برچی رفته، به همراه وی طرف شهرک اتفاق و مکتب شید الشهداء یعنی محل حادثه رفتیم. با آن که وقتی به آنجا رسیدیم حدود یک و نیم ساعت از وقوع انفجار گذشته بود، مگر هنوز هم سراسیمگی و دست و پاچگی از تعدادی از خانواده ها که به دنبال عزیزان کشته و یا مفقود خود می گشتند، با همان شدت ادامه داشت، مرده دود هائی از آهن پاره ای که گویا قبلاً موثر بوده و به وسیله انفجار از بین رفته بود، بوی مشمئز کننده ای را در فضاء پخش می کرد، اینجا و آنجا تقریباً به یک شعاع بیش از ۴۰ الی ۵۰ متر در خارج از دیوار مکتب، کسانی با داد و فریاد، قسمت هائی از جسد، دست، پای و یا کفش و چادر خون آلودی را از زمین بر داشته، فریاد سر می داد و به عاملان آن، من جمله دولت دست نشاندۀ که خود بستر پیدایش و رشد طالب، داعش و اسلام سیاسی را فراهم ساخته بود، دشنام حواله می نمودند.

۳- دیدن این صحنه های دلخراش و در هر طرفی و بر بالای سرک خون فرزندانش خلق ما که نه تنها هیچ گناه و جرمی به جز مظلوم بودن و ساکت بودن نداشته و ندارند، بلکه از جنگ قدرت و سگ جنگی بین "غنی احمدزی" و شرکایش در داخل و خارج از ارگ، و مزدوران پاکستان یعنی طالب جنایت پیشه و خونخوار و بقیه آحاد اسلام سیاسی، هیچ چیزی به آنها نرسیده و نخواهد رسید، به خصوص وقتی از زوایه دید یک پدر که اطفال خودش در همان لحظه در خانه و یا خارج از آن منتظر و یا در حرکت اند، موضوعی نیست که قلم شکسته و ناتوانی چون من بتواند، آن را ترسیم نماید. از چه بنویسم، از پارچه های اجساد پراکنده و یا از کتابهای نیم سوخته و خون آلود، از مردانی که با صدای بلند می گریستند و یا از زنانی که مویه کنان بر سر و صورت خویش زده، سراغی از جگر گوشه هایشان را می گرفتند، از مردان و جوانان خشمگین، که با ممانعت از ورود نیروهای امنیتی در صحنه، عملاً اعلام می داشتند که دیگر بر دولت دست نشانده و زمامداران آن اعتماد ندارند و نمی خواهند که آنها حتی مرده هایشان را انتقال بدهند و یا ...

۴- برای من و دوست همراهم از کارته مأمورین که در چنین وقایعی هیچ گاه، مردم ما را در هر گوشه شهر که بوده باشد به خصوص زحمتکشانش دشت برچی و کارته نو، تنها نگذاشته ایم و از چندین سال بدین سو علی رغم مشکل تراشی های نیروهای امنیتی دولت دست نشانده آگاهانه و هدفمندانه خود را به آنجا رسانیده ایم و خوشبختانه با تعدادی از جوانان فهیم و متعهد آنجا شناخت بیشتر داریم، نه تنها حضور ما با قیافه و ساختمان فیزیکی چهره های متفاوت با باشندگان محل، به نحوی بیان همدردی متقابل را می رساند و می باید مانع از بروز و تشدید نفرت قومی بین اقوام مختلف گردد، در مقطع کنونی اساسی ترین وظیفه تبلیغ و بردن آگهی طبقاتی به جای نفرت قومی و تکیه به نیروی خود به جای داشتن انتظار از کمک دولت دست نشانده می باشد.

این وظیفه زمانی به یک رسالت مبدل می گردد که انسان متوجه می شود کسانی هستند که آگاهانه می خواهند جنایات طالب و یا داعش را شکل قومی و یا مذهبی بدهند و در قفای چنین جنایاتی نه دستان خون آلوده امپریالیسم را می بینند و نه هم پوزه خون آلود اسلام سیاسی را.

ادامه دارد.